

**آثار دشمن‌شناسی: (راهبرد بازدارندگی بیداری اسلامی) در ارتقای بصیرت ملی
از منظر نهج‌البلاغه**

فاطمه رضائی* / سیده سمیه رضوی کنتی** / علی تردست*** / مرتضی پهلوانی****
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

چکیده

یکی از راه کارهای پیوند مردم و حکومت اسلامی آن است که مردم آگاهی و بصیرتی درخور وضعیت جامعه و مسائلی که حکومت با آن‌ها روبه‌رو است، پیدا کنند. مردمی که بصیرت سیاسی دارند، خطرهایی که حکومت را تهدید می‌کند، بهتر تشخیص می‌دهند. شناخت دشمن موجب افزایش بصیرت ملی و تحقق آثار کلان بینشی در جامعه خواهد شد، این ضرورت اقتضاء نمود تا نگارنده در این پژوهش با روشی توصیفی تحلیلی به بررسی این آثار بصیرتی پرداخته و طی آن بدین پرسش پاسخ داده خواهد شد که دشمن‌شناسی به عنوان راهبرد بازدارندگی با تمرکز بر تقویت مبانی فرهنگی- عقیدتی، چه آثاری بر ارتقای بیداری اسلامی و بصیرت ملی از نگاه نهج‌البلاغه خواهد داشت و در نهایت بدین نتیجه رسیده که در واقع جامعه دشمن‌شناس، در اولین قدم به شناخت حق و باطل و صفوف و آرایش دشمن دست پیدا خواهد کرد و پس از آن، راهبردهای آن‌ها در اهداف فرهنگی و تحرکات سیاسی را باز خواهد شناخت، در چنین زمانی است که در گرو بصیرت همگانی و ملی حاصل شده، دشمن قادر نخواهد بود به ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه روی بیاورد و جامعه بصیرت‌یافته نیز به راحتی اجازه نفوذ دشمن در عرصه‌های گوناگون زندگی خود را نخواهد داد.

واژگان کلیدی

دشمن‌شناسی، بصیرت، ملت، نهج‌البلاغه.

*. دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد خرم‌آباد، دانشکده ادبیات، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده اول)

fatemer13981366@gmail.com

** . کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآنی، دانشکده علوم و معارف قرآن کریم قم، ایران. (نویسنده مسئول)

ss.razavi128@gmail.com

a.tardast@cfu.ac.ir

***. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

pahlavani114@yahoo.com

****. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی، چابهار، ایران.

بیان مسأله

اهل بصیرت، با هر آیه و رخدادی به بصیرتی برتر و کامل‌تر می‌رسند و مایه افزایش روشنایی و روشنگری آنان می‌شود در حالی که برای اهل کفر و نفاق و ضلال، هر آیه و رخدادی مایه گمراهی و بدبختی آنان می‌شود. غرب و استکبار جهانی تا قبل از انقلاب اسلامی بر این باور بودند که دوران معنویت و دین‌گرایی روبه اتمام است و بشر به دنبال مدل جدیدی از حیات مادی و رهاشده از باور و تقیدات است، اما شکل‌گیری انقلاب اسلامی در حوزه‌ای کلان و با گرایش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آنها را بدین واداشت تا پس از مطالعات در این زمینه، حجم وسیعی از تهدیدات نرم و فرهنگی و سخت خود را به سمت حوزه‌های باوری و اعتقادی مردم ما گسیل دارند.

در متون دینی خصوصاً نهج‌البلاغه، دشمن‌شناسی یکی از شئون پررنگ گفتمانی امیرالمؤمنین علیه السلام محسوب شود و از آن جا که شناخت دشمن موجب افزایش بصیرت ملی و تحقق آثار کلان بینشی در جامعه خواهد شد، این امر اقتضاء نمود که برای پاسخ به این پرسش که دشمن‌شناسی به عنوان راهبرد بازدارندگی، چه آثاری بر ارتقای بصیرت ملی خواهد داشت، به بخش‌هایی از آیات قرآن کریم و بخش‌هایی از نامه‌ها و خطبه‌های نهج‌البلاغه که شامل کلام حضرت امیر علیه السلام پیرامون دشمن‌شناسی و آثار آن، استناد کرده‌است و در ابتدا با توجه به آیه ۱۱۲ سوره مبارکه انعام که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ» (انعام، آیه ۱۱۲) و هم‌چنین خطبه ۱۴۷ که دشمنان را این چنین معرفی می‌نماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرَّشِدَ حَتَّىٰ تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ، وَلَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّىٰ تَعْرِفُوا الَّذِي تَقْضِيهِ، وَلَنْ تَمْسُكُوا بِهِ حَتَّىٰ تَعْرِفُوا الَّذِي تَبْدَهُ»^۱، با توجه به این آیه و خطبه مطرح شده، شناخت دشمن به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای بازدارندگی معرفی شده است.

۱. این چنین در برابر هر پیامبری دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به طور سری (و درگوشی) به یکدیگر می‌گفتند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند.

۲. بدانید، که شما رستگاری را نخواهید شناخت، مگر آن گاه که بدانید آنان که طالب رستگاری نیستند، چه کسانی و هرگز به پیمان قرآن وفا نمی‌کنید، مگر آن گاه که بدانید چه کسانی پیمان قرآن را می‌شکنند و به قرآن تمسک نخواهید جست تا آن گاه که واگذارندگان قرآن را بشناسید.





در واقع هر جامعه‌ای برای رشد ملی نیازمند به رفع موانع و تمهید مقدماتی است که از جمله مهم‌ترین آنها شناخت جامع نسبت به عوامل ایجاد خلل در مسیر پیشرفت جامعه است؛ از آن جایی که بدون بصیرت و هوشیاری در شناخت دشمن، نمی‌توان بر توطئه‌های دشمنان پیروز شد، می‌توان گفت که شناخت دشمن به عنوان راهبرد بازدارندگی با تقویت مبانی فرهنگی و عقیدتی، موجب افزایش بصیرت ملی و تحقق آثار کلان بینشی در جامعه و به تبع آن، ارتقاء بیداری اسلامی خواهد شد (ستوده آرانی و ترکی، ۱۳۹۵، ۱۶۰). از طرفی نیز در خصوص تأثیرات بصیرتی دشمن‌شناسی از منظر نهج‌البلاغه با وجود سعه بحثی این کتاب شریف در این زمینه، کمتر کار شده است که این ضرورت اقتضاء نمود نویسنده به نگارش این اثر روی بیاورد.

پیشینه تحقیق

برخی از آثار همسویی که تاکنون به نگارش درآمده عبارت از موارد ذیل است؛

حسن‌پور، علیرضا و بنی‌اسدی، رضا، در مقاله دشمن‌شناسی و مقابله در جنگ نرم از منظر نهج‌البلاغه با مطالعه موردی شایعه‌پراکنی، مجله پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات، تابستان ۱۴۰۱، سال چهارم، شماره ۳۷، در این مقاله به مقوله دشمن‌شناسی و شناخت یکی از مهم‌ترین ابزارهای دشمن در جنگ نرم، که روش شایعه‌پراکنی است، پرداخته شده است.

حسن‌زاده، محمد جواد در مقاله شناخت دشمن و آثار تربیتی آن با اتکا به نهج‌البلاغه، کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی، ۱۴۰۱، شماره ۳، در این مقاله به شناخت دشمن و شیوه درست برخورد با ایشان، از منظر حضرت علی علیه السلام پرداخته شده است.

وجه تمایز این اثر، نسبت به موارد برشمرده شده در این بوده که در آثار بیان شده فقط به موضوع شناخت دشمن و شیوه درست برخورد با دشمن و شناخت یکی از مهم‌ترین ابزارهای دشمن در جنگ نرم، که روش شایعه‌پراکنی است، پرداخته شده است و به آثار دشمن‌شناسی در ارتقای بصیرت ملی از نگاه نهج‌البلاغه پرداخته نشده، امری که سبب تمایز و جدید بودن اثر خواهد شد و همچنین، در مقاله پیش رو ابزار شایعه‌پراکنی به عنوان یکی از راهکارهای دشمن جهت ایجاد یأس در جامعه بیان شده است.

۱- بحث

۱-۱- مفهوم دشمن از نگاه نهج‌البلاغه



امام علی علیه السلام در حکمت ۲۹۵، دشمنان انسان را به سه دسته تقسیم می‌کنند. دوستان تو سه گروهند و دشمنان تو نیز سه دسته‌اند، اما دوستان: دوست تو و دوست دوست تو و دشمن دشمن تو است، و اما دشمنان: پس دشمن تو و دشمن دوست تو و دوست دشمن تو است.

۲-۱- روش‌های برخورد با دشمن در نهج البلاغه

آن حضرت درباره نحوه برخورد با دشمن توصیه‌هایی فرمودند که از جمله آنان این موارد می‌باشد: کوچک نشمردن دشمن^۱ (غرر الحکم: ۱۰۲۱۶) و ایمن ندانستن خود از دشمن^۲ (غرر الحکم، ج ۱، ص ۶۲۴) و هوشیاری در برابر دشمن^۳ (غرر الحکم: ۸۶۷۲) و دوراندیشی پس از صلح در برابر دشمن، آن‌جا که امام علیه السلام بعد از آن که مالک را به پذیرش صلح شرافتمندانه سفارش می‌کند، می‌فرماید: زنهار سخت از دشمنت پس از پذیرش صلح، بر حذر باش، چرا که دشمن گاهی نزدیک می‌شود که غافل گیر سازد (نامه ۵۳).^۴

۲- روش‌های شناخت دشمن از منظر نهج البلاغه

جامعه همواره مورد تهدید و هجوم دشمنان از هر سو بوده و هست. برای مهار این تهدیدات راهبردهای مختلفی طرح شده‌است، با توجه به نقش عقیده و مبانی فرهنگی در تقویت ایمان و اراده در شناخت صحیح دشمن و مقابله بموقع و درست با ایشان، یکی از این موثرترین این راهبردها، راهبرد بازدارندگی شناخت دشمن، با تقویت مبانی فرهنگی-عقیدتی می‌باشد که در خطبه ۱۴۷ نهج البلاغه در اهمیت و لزوم این راهبرد، آمده که رسیدن به رستگاری و عمل و تمسک به قرآن در سایه شناخت دشمن محقق خواهد شد، در این راهبرد تلاش می‌شود با تقویت بصیرت مردم جامعه در مساله شناخت همه جانبه دشمن، تهدیدات پیش‌رو کنترل شود و یا کاهش یابد (نک: ستوده آرائی و ترکی، ۱۳۹۵: ۱۶۰). در ادامه برای شناخت بهتر این راهبرد، ابتدا مواردی که موجب بهتر شناختن دشمن و اهدافشان می‌باشد، با تمرکز بر بخش‌هایی از کلام حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه مطرح خواهد شد و سپس اقدامات و

۱. لَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَدُوًّا وَإِنْ ضَعُفَ

۲. أَتَأْمَنُ عَدُوًّا وَإِنْ شَكَرَ

۳. مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَنْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ

۴. وَلَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ، فَإِنَّ الْعَدُوَّ رَبِّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ، فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَأَنَّهُمْ فِي ذَلِكَ حُسْنُ الظَّنِّ.



تحركات سياسى دشمن و راهكارهاى به كار گرفته جهت ايجاد ياس در جامعه و هم‌چنين نفوذ اقتصادى و فرهنگى دشمن، تبیین شده تا هوشیاری و بصیرت مردم افزایش یافته و زمینه‌های ايجاد غفلت کاسته شود تا در زمان مناسب راهكارهاى درست و جامعى در مقابل اقدامات دشمن ارائه داده شود.

۲-۱. روش‌های شناخت دشمن و اهدافشان از نگاه نهج البلاغه

۲-۱-۱. روش‌های شناخت دشمن

حکومت و جامعه اسلامى در اعصار مختلف همیشه مورد طمع و يورش مرئى و نامرئى دشمنان قرار گرفته‌است. تاريخ خود گواه اين مدعاست که در برخى موارد مسلمين با تمسک به تقلين توانسته‌اند هجمه و طماعى ها را سرکوب نمايند. بعضا نيز به علت عدم تشخيص صفوف حق و باطل به شدت شکست خورده و منکوب شده‌اند. اين در حالى است که قرن‌ها پيش حضرت على عليه السلام در کلمات مختلف خود در قالب خطبه يا نامه يا حکمت به بررسى و تبیین اين موضوع پرداخته‌است.

حضرت على عليه السلام در کلماتى درباره اهميت شناخت حق و باطل چنين مى‌فرمايد که: «فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَ أَنَارَ طُرُقَهُ، فَشِقْوَةٌ لَّازِمَةٌ أَوْ سَعَادَةٌ دَائِمَةٌ» (خطبه ۱۵۷). چنان‌چه در کلام امام على عليه السلام نيز معيار تشخيص حق و باطل را توصيف مى‌نمايد: «وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرَّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ، وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضْتُمْ، وَ لَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَبَدَّلْتُمْ» (خطبه ۱۴۷)، با توجه به اين خطبه روشن است که با دور شدن از قرآن و کلمات معصومين عليه السلام، جامعه حتى با وجود اندیشمندان و ابزارهاى مختلف نمى‌تواند به سرانجامى برسد که مد نظر الهى است. لذا دور شدن از فرامين اسلام نتيجه‌اى جز سرگردانى و انفعال و در نهايت پيوستن به صفوف باطل ندارد. اگرچه ظاهر باطل آسان و زيباست؛ «إِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مَرِيءٌ، وَ إِنَّ الْبَاطِلَ خَفِيفٌ وَ بِيءٌ» (حکمت ۳۷۶).^۲

از نظر ابن ابى الحديد مقصود حضرت على عليه السلام اين است که حق اگر چه سنگين است ولى فرجامش پسنديده‌است و سرانجامش مطلوب و باطل هر چند سبک است فرجامش ناپسند و

۱. خداى تعالى راه حق را برايتان آشکار نموده و روشن ساخته يا به شقاوتى جدا ناشدنى و درمان ناپذير افتيد يا به سعادتى جاودانه خواهيد رسيد، اين کلمات کاملا روشن و گویا هستند.

۲. حق سنگين است و گوارا، و باطل سبک است و هلاکت بار.



سرانجامش نکوهیده است. هیچ يك از شما نباید شیرینی باطل را بر کار خود بار کند که در لذت اندک زودگذری که از پی آن زیان‌های گران آخرتی باشد خیری نیست و هیچ يك از شما را سنگینی حق از آن باز ندارد که تحمل آن فرجام پس‌سنیده دارد، همان گونه که بیمار چون لذت بهبود و سلامت را احساس کند، آشامیدن داروی تلخ را ستایش می‌کند (ابن ابی الحدید: ۱۳۱/۸). مطلب مهم این است که باطل در هر عصری وجود دارد اما نحوه برخورد با آن از اهمیت ویژه و تأثیرگذاری برخوردار است. حضرت علیه السلام درباره کسانی که در برابر باطل سکوت اختیار می‌کنند چنین می‌فرماید که: «الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّخِيلِ فِيهِ مَعَهُمْ، وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٌ، إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَإِنَّمُ الرِّضَى بِهِ» (حکمت ۱۵۴).^۱ ابن ابی الحدید ذیل این حکمت چنین نگاه‌اشته که: رضایت به دو گونه تفسیر می‌شود، یکی اینکه خود فرد هم آن را اراده کرده، دیگری اعتراض نکردن، - سکوت موجب رضاست- اگر خود اراده آن را داشته‌است، تردید نیست که سزاوار نکوهش است زیرا کسی که اراده کار زشت می‌کند، انجام دهنده کار زشت است. در مورد ترك اعتراض هم در صورتی که توانایی بر اعتراض داشته باشد، تردید نیست که سزاوار نکوهش است. زیرا کسی که با نبودن مانع نهی از منکر را ترك کند، شایسته نکوهش است (ابن ابی الحدید: ۳۷۰/۷).

با تقوا و دستیابی به فرقان و تشخیص حق از باطل، انسان قادر خواهد بود به ارزش‌ها دست یابد؛ خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (انفال، آیه ۲۹).^۲ در آیه مورد بحث، فرقان صیغه مبالغه از ماده فرق است به قرینه سیاق و تفریعی بر تقوا، فرقان میان حق و باطل است، چه در اعتقادات و چه در عمل. فرقان در اعتقادات جدا کردن ایمان و هدایت از کفر و ضلالت است و در عمل جدا کردن اطاعت و هر کار مورد رضایت خدا از معصیت است و هر عملی که موجب غضب او باشد و فرقان در رأی و نظر، جدا کردن فکر صحیح از فکر باطل است، همه اینها نتیجه و میوه‌ای است که از درخت تقوا به دست می‌آید (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۷۱).

۱. آن کس که به کار جمعیتی راضی باشد هم چون کسی است که در آن کار با آنها شرکت کرده (منتها) آن کس که در انجام کار باطل دخالت دارد دو گناه می‌کند: گناه عمل و گناه رضایت به آن.

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای برای جدائی حق از باطل قرار می‌دهد (و روشن بینی خاصی که در پرتو آن حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهان شما را می‌پوشاند و شما را می‌آمرزد و خداوند فضل و بخشش عظیم دارد.



در نهج البلاغه آمده: «إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ كَانَ الْعَمَلُ بِالْحَقِّ أَحَبَّ إِلَيْهِ وَإِنْ تَقَصَّهُ وَكَرِهْتَهُ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنْ جَرَّ إِلَيْهِ فَائِدَةٌ وَزَادَهُ» (خطبه ۱۲۵).^۱ لذا دشمن‌شناسی در اولین گام، صف‌بندی دشمن را به جامعه نشان خواهد داد (آمدی، ۳۸۷۶)؛ «إِنَّمَا سُمِّيَ الْعَدُوَّ عَدُوًّا لِأَنَّهُ يَعْدُو عَلَيْكَ، فَمَنْ دَاهَنَكَ فِي مَعَايِكَ فَهُوَ الْعَدُوُّ الْعَادِي عَلَيْكَ» (محمدری شهری، ج ۷، ۱۰۷): عدو (دشمن) را به این سبب عدو گفته‌اند که به تو تعدی می‌کند. پس هرکه در عیب‌هایت با تو مسامحه کند، از آن‌جا که عدو، تعدی کننده به توست. بر همین اساس است، بر همین اساس، با آن‌ها چیزی نگویید تا در صدد رفع شان بر آید، در تبیین صفوف دشمن، به دشمن خارجی و دشمنان داخلی اشاره شده که همگی از مصادیق باطل هستند؛ «الْمَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا» (نساء، آیات ۵۲ و ۵۱).^۲

از این روی، بدون ادراک جامع از دشمن، شناخت حق و باطل و مواضع آن‌ها در هر زمان مختل خواهد شد و مطابق با نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام، اهالی این دو نیز شناخته نخواهند شد که خود، یکی از علل عمده پیشروی هرچه بیشتر دشمن خواهد بود؛ در این راستا می‌توان به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کرد که: ... زندگی دو راه دارد، یکی حق و دیگری باطل و هر کدامشان دارای یارانی استوار و پیروانی و پایدارند (خطبه ۱۶).^۳ اگر باطل در افزایش باشد چیز تازه‌ای نیست، زیرا هواخواهان باطل از قدیم در اکثریت بوده‌اند و اگر حق در اقلیت باشد (نقصی برای حق نیست)، با این حال اهل حق با وجود کمی تعداد بر آنان چیره و پیروزمی‌شوند و نابودشان می‌سازند. اندک بودن حق را امید نیست به فزونی، ولی سستی و ناتوانی در ایمان را امیدی به قوت و توانایی نیست.

در این میان، اگر صفوف از هم بازشناخته نشود، دوست و دشمن به اشتباه اتخاذ خواهند شد و جامعه دینی با از دست رفتن بصیرت لازم، هرچند ناخواسته در ذیل ولایت کفار و دشمنان قرار خواهد گرفت در حالی که قرآن کریم، در بسیاری از موارد، ما را از پذیرش ولایت کفار ممنوع می‌سازد؛ چراکه این

۱. برترین مردم در نزد خدا کسی است، که حق، هر چند با کاستی و رنج توأم باشد، در نظر او محبوب‌تر از باطل باشد، هر چند، که باطل برای او فواید بسیار در پی داشته باشد.

۲. آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (خدا) به آنان داده شده، (با این حال)، به «جبت» و طاغوت ایمان می‌آورند و درباره کافران می‌گویند: «آن‌ها، از کسانی که ایمان آورده‌اند، هدایت یافته‌ترند»؟!

۳. «... حَقٌّ وَبَاطِلٌ وَ لِكُلِّ أَهْلِ فُلْتَيْنِ أَمْرٌ الْبَاطِلُ لَقَدِيمًا فَعَلَّ وَ لَئِنْ قُلَّ الْحَقُّ فَلَرَبِيمًا وَ لَعَلَّ وَ لَقَلَّمَا أَدْبَرَ شَيْءٌ فَأَقْبَلَ»؛



ولایت به تسلط فکری و فرهنگی منتهی خواهد شد و در حقیقت قرآن کریم با برنامه‌ای هوشمند، با ارائه چنین آیاتی به دنبال این است که صفوف مؤمنین را با تبری از دشمن مستحکم سازد تا هیچ منفذی برای نفوذ دشمن در جبهه ایمان ایجاد نشود. ولایت کافر سبب محبت قلبی بدو خواهد شد و محبت، به دنبال خود یکدستی و شبیه‌سازی با کفار را به وجود خواهد آورد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُورًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده، آیه ۵۷).^۱

ضرورت هوشیاری در این زمینه را می‌توان در کلمات حضرت علی علیه السلام نیز یافت: هرکه از دشمن خود غافل شود، دسیسه‌ها او را به خود آورد (محمدی ری شهری، ج ۷، ۱۱۰).^۲ عمار بن یاسر از جمله کسانی است که در ایجاد بصیرت لازم جهت شناخت دوست از دشمن کوشا بوده است. از همین روی امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی شنید که عمار در کوشش برای هدایت مَعِيرَةَ بنِ شُعْبَةَ است، به او فرمود: «دَعَا يَا عَمَّارُ! فَإِنَّهُ لَمْ يَأْخُذْ مِنَ الدِّينِ إِلَّا مَا قَارَبَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ عَلَيَّ عَمْدٌ لَيْسَ عَلَيَّ نَفْسِهِ، لِيَجْعَلَ الشُّبُهَاتِ عَادِرًا لِيَسْقَطَاتِهِ» (حکمت ۴۰۵)؛ عمار! او را واگذار؛ چه او چیزی از دین برنگرفته، جز آن چه وی را به دنیا نزدیک کردن تواند و به عمد خود را به شبهه‌ها درافکنده تا آن را عذری برای خطاهای خود گرداند. (آمدی،: ۸۶۷۲).

بنابراین زمانی که جامعه در حوزه دشمن‌شناسی به ارتقای شناختی نائل آید، در وهله اول حق و باطل و صفوف آن‌ها را خواهد شناخت و غفلت از آن جامعه دور شده و در انتخاب جهت‌گیری‌ها دچار خطا نخواهد شد و در ذیل ولایت کفار، قرار نخواهد گرفت.

۲-۱-۲. نحوه بصیرت یافتن و انواع آن نسبت به اهداف دشمن

بی‌شک حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در ایران، خطری بزرگ برای استکبار جهانی و تهدیدی فزاینده نسبت به سلطه او بر جهان محسوب می‌شود. استکبار جهانی از همان بدو پیدایش انقلاب اسلامی ایران، نسبت به آن، دشمنی ورزیده و هرگز از فکر نابودی آن غافل نشده است و توطئه‌های متعدد آنها علیه موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران نشانگر این امر است. بنابراین شناخت چهره دقیق دشمن برای پی بردن به نقشه‌های او بسیار مهم است؛ زیرا در صورتی دشمن ناکام می‌ماند که ما

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، افرادی که آیین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند از اهل کتاب و مشرکان، دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید.

۲. «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّ أَنْتَهَتْهُ الْمَكَائِدُ»

آگاهی کامل و درستی نسبت به او و اهدافش داشته باشیم. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۵). باید بدانیم که بدون بصیرت و هوشیاری در شناخت دشمن، نمی‌توان بر توطئه‌های دشمنان پیروز شد. این یک سنت و قانون همیشگی در طول تاریخ و در همه زمان‌ها بوده‌است که دشمنان همیشه در برابر مصلحان بزرگ و انبیای الهی و حرکت‌های انقلابی مقابله کرده‌اند (حاجی‌صادقی، ۱۳۹۳، ص ۳۸). قرآن کریم به عنوان یک اصل کلی می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ» (انعام، آیه ۱۱۲).^۱ حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لا تَأْمَنُ عَدُوًّا وَإِنْ شَكَرَ» (آمدی، ۱۰۱۹۷).^۲ و نیز می‌فرماید: «لا تَسْتَصْرِخَنَّ عَدُوًّا وَإِنْ ضَعُفَ» (همان: ۱۰۲۱۶).^۳

می‌توان بصیرت را به اعتبار موارد بکارگیری آن، بدین موارد تقسیم کرد که شامل بصیرت در هدف، بصیرت در انتخاب راه، بصیرت در ابزار و وسیله، بصیرت در راهبرد و چگونگی اقدام، شناخت دشمن، شناخت نقشه‌ها و توطئه‌ها، شناخت موانع و آسیب‌ها، جریان‌شناسی، زمان‌شناسی، تکلیف‌شناسی، بصیرت نسبت به اولویت‌ها و نسبت به مواضع ولی امر، می‌باشد. (حاجی‌صادقی، ۱۳۹۳، ص ۳۲)

۱-۲-۱. انواع بصیرت

الف. بصیرت دینی

بصیرت دینی فراتر از آگاهی نسبت به دین بوده و به معنای یقینی است که با عمل دینی مقرون شده و حاصل آن، روشن بینی نسبت به امور مختلف است؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِرْبَهُ وَاسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَرَجِلَهُ، وَإِنَّ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي مَا لَبَسْتُ عَلَىٰ نَفْسِي وَلَا بُسَّ عَلَيَّ وَ إِنَّمَا اللَّهُ لَا فِرْطَنَ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَا حُجُّهُ لَا يَصُدُّونَ عَنْهُ وَلَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ» (خطبه ۱۰). مقصود حضرت این است چیزی که موجب مخالفت آنها با حق می‌شود شیطان است که آنها را وسوسه می‌کند و باطل را در دلشان می‌آراید. پس هر کس با حق مخالفت کند و از روی دشمنی حق را رها کند از حزب شیطان و از لشکریان پیاده و سواره او می‌باشد. نفس قدسیه امام علیه السلام هرگز فریب شیطان را نخورده

۱. این چنین در برابر هر پیامبری دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به طور سری (و درگوشی) به یکدیگر می‌گفتند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند.

۲. از هیچ دشمنی ایمن مباش، اگر چه سپاسگزاری کند.

۳. هیچ دشمنی را دست کم مگیر، هر چند ناتوان باشد.



و آن چنان که حق بر دیدگان او مشتبه شده و آنها را از دیدن حق کور و از ادراک و جداسازی حق از باطل ناتوان ساخته، خواه تشخیص ندادن حق از باطل به وسیله فریب شیطان بدون واسطه باشد، همچنین می‌فرماید که هیچ يك از پیروان ابلیس نتوانست شبهه‌ای را بر من القا کند و حق را به باطل بیاراید و بر من مشتبه سازد. (ابن میثم بحرانی،: ۵۶۷/۱) در قرآن نیز درباره روش شناخت حق از باطل چنین آمده که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال، آیه ۲۹).^۱

ب. بصیرت فرهنگی

دشمن همواره برای دستیابی به منافع خود، از اهرم تقلیب و وارونه‌سازی فرهنگی استفاده می‌کند که با نفوذ فرهنگی و فتح قله‌های فرهنگ جامعه میسر است؛ در این روش، آن‌ها به همان میزان که فرهنگ غنی دینی را تخریب می‌کنند، با ابزارهای رسانه‌ای قدرت نرم، فرهنگ خود را باورپذیر و در درجه بالاتری نشان می‌دهند؛ «لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُمْ كَارِهُونَ» (توبه، آیه ۴۸).^۲

دشمن برای تهی کردن جامعه دینی از آرمان‌های خود، همواره به دنبال تقویت غرب‌گرایی و دامن زدن به انحرافات فرهنگی و فکری در جامعه است. آن‌ها به همان میزان که به تخریب آرمان‌ها و ارزش‌های دینی می‌پردازند، به دنبال اشاعه فرهنگ غربی در سطوح مختلف هستند. پیرامون اهمیت بصیرت سیاسی، لازم است ذکر شود که بدون دامن زدن به جنبه ایدئولوژیک و تفکری یک جامعه و تخریب آن، دشمن قادر نخواهد بود آرمان‌های و بینش‌های خود را در جامعه دینی پیاده‌سازی کند.

در همین راستا باید دانست که دشمن برای نیل به مقاصد خود، از اهرم استعمار و نفوذ فکری و فرهنگی نیز استفاده می‌برد تا معادلات اجتماعی جامعه را به نفع خود رقم زند و امنیت فرهنگی جامعه را از میان ببرد؛ باید قدرت نرم غربی را چنان گسترده دید که حتی در کشورهایی که از [اقتصاد مستقل] بهره‌مندند اما غرب به مدد سلطه فکری سیطره سیاسی را استوار کرده‌است و [استقلال صنعتی] برای آنان [خود مختاری سیاسی] را پدید نیاورده‌است. شکوه و جلال ظاهری تمدن غرب فرهنگ

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت.

۲. قطعاً پیش از این هم فتنه‌جویی می‌کردند و امور را بر تو وارونه و دگرگون می‌ساختند، تا آنکه [یاری] حق آمد و فرمان خدا [که تحقق‌پروزی و موفقیت شماسست] آشکار شد، در حالی که آنان خوش نداشتند.



خودکم‌بینی در مقابل غریبان همخوانی ارزش‌های آن سامان با غرائز حیوانی و... نمونه‌های فوق و موارد مشابه آن موجب شده‌است که نفوذ تفکر غربی و ارزش‌های آن را در بین عامه مردم نیز مشاهده کنیم و آنچه در شرائط حاضر در کشورمان نظاره می‌کنیم که انقلاب با تهاجم و رشد فسادهای اخلاقی دست به گریبان است، نشانه‌ای است بر اینکه فرهنگ غرب از زمینه‌های وسیع نفوذ سود می‌برد اما سلطه شرق از این پایگاه وسیع بهره‌مند نیست. (الهی، ۱۳۶۳، ص ۳۲. شایگان، ۱۳۹۲، ص ۶۱)

سخنان امام علی علیه السلام در خطبه ۲۶ نهج‌البلاغه در توصیف فرهنگ جاهلیت، تنبّه‌آفرین و روشن‌گر است تا جامعه با دشمن‌شناسی مطلوب، به دامان تمدن و فرهنگ جاهلی نشود و امنیت فرهنگی خود را در دست ندهد. فرهنگ غربی دارای ظاهری متمدن اما حقیقتی توأم با جاهلیت است که دشمن آن را با ترفندهای نرم پنهان می‌کند. آن حضرت فرموده‌است: « أَنتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ، مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارَةٍ خُشْنٍ وَ حَيَاتٍ صُمِّ تَشْرَبُونَ الْكُدِيرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجَشِبَ وَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقَطِّعُونَ أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنصُوبَةٌ وَ الْأَقْنَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ » (خطبه ۲۶).^۱

ج. بصیرت سیاسی

مردم با بصیرت سیاسی، نقطه ضعف‌ها و قوت‌ها و مصالح حکومت را به خوبی درمی‌یابند و با حضور به موقع در صحنه، از حکومت پشتیبانی می‌کنند چنانکه تاکنون این گونه بوده‌است. به هر اندازه بصیرت سیاسی مردم بیش‌تر باشد، بر قدرت و توان همکاری به موقع و به جای آنان با حکومت افزوده می‌شود و به همین میزان نیز از خطا و اشتباه و حرکت‌های نسنجیده که به ضرر نظام می‌انجامد، دور می‌شوند. بنابراین، مسئولان نظام به منظور بالا بردن پیوند و همکاری مردم، لازم است هر آن چه که سبب آگاهی و بصیرت‌افزایی ملت می‌شود، در برنامه‌ریزی‌ها به کار بگیرند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۷۶). از نمونه بصیرت دهی علی علیه السلام می‌توان به افشای سران ناکثین اشاره کرد که امام علی علیه السلام طی نامه‌ای به مردم کوفه به هنگام حرکت از مدینه به طرف بصره، در سال ۳۶ هجری فضای غبارآلود سیاسی زمان خود را شفاف‌سازی نموده و می‌فرماید: « از بنده خدا، علی امیرمؤمنان، به مردم کوفه... همانا شما را از کار عثمان چنان

۱. مردمان عرب بدترین آیین را برگزیده بودند و در بدترین سرای خزیده، منزلگاهشان سنگستان‌های ناهموار، همنشینانشان گرزده مارهای زهردار، آبشان تیره و ناگوار، خوراکشان گلو آزار، خون یکدیگر ریزان، از خویشاوند بریده و گریزان، بت‌هاشان همه جا برپا، پای تا سر آلوده به خطا.



آگاهی دهم که شنیدن آن چونان دیدن آن باشد، مردم بر عثمان عیب گرفتند، و من تنها کسی از مهاجران بودم که او را به جلب رضایت مردم واداشتم، و کمتر به سرزنش او زبان گشودم» (نامه ۱).
در حقیقت شناخت دشمن و تحصیل بصیرت سیاسی، دینی و فرهنگی لازم در جامعه، سبب خواهد شد فتنه‌ها، بهتر شناخته شود و خط مشی و اهداف دشمن به عیان دیده شود، در چنین زمانی است که دشمن نخواهد توانست با ایجاد فتنه‌های فرهنگی، فضای جامعه را غبارآلود نماید.

۳. آثار دشمن‌شناسی بر جامعه از منظر نهج البلاغه

۳-۱. عدم غفلت در برابر تحرکات سیاسی دشمن

در طول تاریخ این مرز و بوم همواره شاهد ضعف در دشمن‌شناسی و فراموش کردن خطر استعمار و عدم شناخت دشمن اصلی در موارد مختلفی از جمله دشمنی آشکار غرب و انگلستان بوده‌ایم که منجر به ضربات سنگین نظامی و فرهنگی از جمله استعمار و عقب ماندگی و... شد که خود هزینه سنگینی در طول تاریخ، برای ملت و مملکت ما داشت (نجفی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴). شاید یکی از نقاط ضعف جوامع اسلامی عصر حاضر را همین مطلب مهم باید دانست. عدم شناختی که به علت دور شدن از استانداردهای اسلام ایجاد شده است.

اگر جبهه مؤمنین به دنبال سطحی‌نگری در تحلیل حرکات و رفتارهای دشمن باشد، فتح را با شکست عوض خواهد کرد و همانطور که تنگه احد را به همین سبب رها کرد، گرفتار شیبیخون همه‌جانبه و غافلگیرکننده توسط قدرت نرم دشمن می‌شود. به فرمایش امام علی علیه السلام: «وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبُعِ تَنَامَ عَلَى طُولِ اللَّذْمِ حَتَّى يَصِلَ إِلَيْهَا طَائِلُهَا وَ يَخْتَلِهَا رَاصِدُهَا، وَ لَكِنِّي أَضْرِبُ بِالْمُقْبِلِ إِلَى الْحَقِّ الْمُدْبِرَ عَنْهُ وَ بِالسَّمِيعِ الْمُطِيعِ الْعَاصِيِ الْمُرِيبِ أَبَدًا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيَّ يَوْمِي. قَوْلَ اللَّهِ مَا زِلْتُ مَدْفُوعًا عَنْ حَقِّي مُسْتَأْتِرًا عَلَيَّ مِنْذُ قَبَضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ) حَتَّى يَوْمِ النَّاسِ هَذَا» (خطبه ۶): به خدا قسم به مانند کفتار نیستم که با آهنگ ملایم می‌خوابد تا شکارچی در رسد و غافلگیرش نموده شکارش کند. بلکه همیشه با یاری حق جوی، رویگردان از حق را می‌زنم، و با کمک شنونده فرمانبر، عاصی بد دل را می‌کوبم، تا مرگم فرا رسد. و الله از زمان وفات پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون مرا از حقم کنار زده‌اند و آن که همسانم نبوده بر من مقدم کرده‌اند.



بدیهی است در یک جامعه، همواره همه مردم طالب حق نیستند گروهی بی ایمان یا سست ایمان و هواپرست و جاه طلب وجود دارند که از حرب‌های فریب و نیرنگ و دروغ و تهمت و شایعه پراکنی بهره می‌گیرند. پیشوایان آگاه و بیدار نباید به این گونه افراد مهلت دهند همانند یک عضو فاسد سرطانی، آنها را از پیکر جامعه جدا سازند و نابود کنند و در صورتی که خطرشان شدید نباشد آنها را محدود کنند و همیشه هواداران حق و مطیعان گوش بر فرمان، سلاح برنده‌ای برای در هم کوبیدن این گروه‌ها. کسانی که فرصت‌های زودگذر را با خوش باوریه‌ها یا ضعف و سستی یا تردید و تأمل از دست می‌دهند همچون گفتارند، به خواب می‌روند و در خانه و لانه خود به دام می‌افتند و مقاومتی از خود نشان نمی‌دهند. این سخن بدان معنا نیست که بی مطالعه یا بدون مشورت و در نظر گرفتن تمام جوانب کار اقدام کنند بلکه باید با مشاورانی شجاع و هوشیار، مسائل را بررسی کرد و پیش از فوت وقت اقدام نمود (مکارم شیرازی،: ۴۵۶/۱-۴۵۷). در جنگ احد نیز عدم شناخت صف‌بندی دشمن و اهداف او، علی‌رغم هشدارهای مکرر رسول خداوند، موجب شد طعم شیرین پیروزی با هزیمت سنگین عوض شود و بسیاری از مؤمنین به شهادت برسند که محصول فقدان بصیرت ملی و دشمن‌شناسی حقیقی بود: «رسول خداوند، عبدالله بن جبیر را فرمانده تیراندازان کرد که پنجاه نفر بودند و به او فرمود: با تیراندازی خود و نفرات دشمن را از آمدن به طرف کوه دور کن که دشمن از عقب بر ما تازد و هیچ‌گاه این سنگر را رها مکن، چه سرنوشت جنگ به نفع ما باشد و چه به ضرر ما و حتماً بدان که اگر دشمن بر ما چیره و غالب شود از ناحیه تو شده است» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۱).

بنابر این جامعه اسلامی نباید به دنبال سطحی‌نگری در تحلیل حرکات و رفتارهای دشمن باشد و باید با در نظر گرفتن تمام جوانب کار و انتخاب مشاورانی شجاع و هوشیار، مسائل را بررسی کرد و با تصمیم‌گیری درست و بموقع در مقابل تحرکات سیاسی دشمن، اقدام کنند.

۲-۳. عدم گرفتاری در پروژه مایوس‌سازی دشمن

هدف دشمنان از چنین رفتارهایی القای یأس و ناامیدی در مردم و روی برگرداندن از اولیاء الله و دستورات الهی است.

۱-۲-۳. راهکارهای دشمن جهت ایجاد یأس در جامعه

در قرآن کریم و نهج البلاغه موارد مختلفی را می‌توان یافت که دشمنان با هدف ضربه زدن به جامعه اسلامی و ایجاد ناامیدی در بین آحاد مردم از آن استفاده می‌کنند. مواردی از قبیل تحقیر

مؤمنان و بزرگ‌نمایی مخالفان، توجیه، شایعه، تضعیف باورهای دینی، اظهارات دروغین و یا ریاکارانه، وعده‌های دروغین، فریب، ایجاد شبهه اختلاف طبقاتی بین مردم و مسئولین و... از جمله آنها است. در ادامه به بررسی برخی از این موارد خواهیم پرداخت.

الف. استفاده از راهکار فریب جهت ایجاد یاس

جامعه‌ای که مایوس باشد قطعاً پویایی لازم را نداشته و در امورات مهم مشارکت نخواهد داشت و این خود زمینه ساز شکست اهداف آن جامعه خواهد بود. یکی از راهکارهای دشمن متوسل شدن به شگرد فریب است که معمولاً با کذب و دروغ همراه است و دشمن با غبار آلوده کردن فضای جامعه قدرت تشخیص را از مردم سلب نموده و سبب ایجاد یاس در جامعه خواهد شد. نهج البلاغه و قرآن درباره منافقان که دشمن مهم مؤمنان هستند، کلمات روشنی بخشی دارند. در نهج البلاغه چنین آمده که: «رَجُلٌ مُنَافِقٌ مُظْهِرٌ لِلْإِيمَانِ، مُتَصَنِّعٌ بِالْإِسْلَامِ، لَا يَتَأَنَّمُ وَلَا يَتَحَرَّجُ، يَكْذِبُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مُتَعَمِّدًا؛ فَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ أَنَّهُ مُنَافِقٌ كَاذِبٌ لَمْ يَقْبَلُوا مِنْهُ وَلَا لَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَهُ، وَ لَكِنَّهُمْ قَالُوا صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، رَأَاهُ وَسَمِعَ مِنْهُ وَ لَقِيَ عَنْهُ، فَيَأْخُذُونَ بِقَوْلِهِ - وَ قَدْ أَخْبَرَكَ اللَّهُ عَنِ الْمُنَافِقِينَ بِمَا أَخْبَرَكَ وَ وَصَفَهُمْ بِمَا وَصَفَهُمْ بِهِ لَكَ -؛ ثُمَّ بَقُوا بَعْدَهُ فَتَقَرَّبُوا إِلَى أَيْمَةِ الضَّلَالَةِ وَ الدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ بِالنُّزُورِ وَ الْبُهْتَانِ، فَوَلَّوهُمْ الْأَعْمَالَ وَ جَعَلُوهُمْ حُكَّامًا عَلَى رِقَابِ النَّاسِ، فَأَكَلُوا مِنْهُمْ الدُّنْيَا، وَ إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوكِ وَ الدُّنْيَا إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ» (خطبه ۲۱۰).^۱

در قرآن نیز درباره دروغ‌گو بودن منافقان برای به انحراف کشاندن مومنان چنین آمده که: «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون، آیه ۱).^۲

۱. منافق مردی است که اظهار ایمان می‌کند و خود را مسلمان می‌نماید، ولی از ارتکاب هیچ گناهی و جرمی باک ندارد و بر رسول الله ﷺ بعمد دروغ می‌بندد. اگر مردم می‌دانستند که منافق و دروغ‌گوست، سخنش را نمی‌پذیرفتند و تصدیق نمی‌کردند ولی می‌گویند یار رسول الله ﷺ است، او را دیده و از او شنیده و ضبط کرده است. پس مردم گفتارش را می‌پذیرند. و خداوند در قرآن از منافقان خبر داده و بدان صفات که دارند برای تو وصفشان کرده است. اینان بعد از پیامبر ﷺ ماندند و بر آستان پیشوایان ضلالت و داعیانی که به باطل و بهتان مردم را به آتش فرا می‌خواندند، تقرب یافتند. حتی به حکومتشان هم گماشتند و بدین نام بر گردن مردم سوارشان کردند و در پناه نام آن‌ها به جهانخواری، پرداختند. زیرا مردم غالباً با پادشاهان و دنیا داران هستند، مگر کسی که خداوندش از این خطر نگه داشته باشد.

۲. هنگامی که منافقان نزد تو آیند می‌گویند: ما شهادت می‌دهیم که به یقین تو رسول خدایی! خداوند می‌داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می‌دهد که منافقان دروغ‌گو هستند یا درباره شیطان هشدار می‌دهد که او دروغ می‌گوید تا بتواند مؤمنان را فریب دهد و به انحراف بکشد.

ب. تضعیف باورهای دینی

غرب که از حیث ارزشی، با خلأ مواجه است، در دوران کنونی که به دنبال ایجاد اضطراب و یأس در جامعه دینی است، ارزش‌های دینی را همواره مورد تهاجم و وارونه جلوه دادن قرار داده است؛ غربیان می‌کوشند تا جای ممکن جامعه مسلمانان را از ارزش‌های دینی تهی کنند؛ چراکه انگیزه، امید و نقطه محرک این جوامع برای پیشرفت، آرمان‌های الهی ایشان است و زمانی که آرمانی نباشد، امید و پیشتکار جهت حرکت رو به جلو، تبدیل به انفعال و یأس خواهد شد (رضایی، ۱۴۰۰، ص ۱۶).

ج. ایجاد شبهه اختلاف طبقاتی بین مردم و مسئولین

حفظ سلامت اقتصادی مسئولین و هم‌تراز بودن از نظر مالی با سطح عموم مردم جامعه یکی دیگر از عوامل تأمین امنیت اقتصادی جامعه خواهد بود که باعث اعتماد مردم به مسئولین شده و در همین راستا حضرت علیه السلام به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره در نامه‌ای بر حفظ سلامت کاری و کسب رزق از راه حلال تأکید داشته و افزوده‌اند: «أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ حُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِيَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا، تَسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْحِقَانُ؛ وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَ غَنِيَّتُهُمْ مَدْعُوفٌ. فَأَنْظُرْ إِلَى مَا تَقْضَمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْغِظُهُ، وَ مَا أَيْقَنْتَ بِطَيْبِ [وَجْهِهِ] وَ جُوهِهِ فَتَلَّ مِنْهُ» (نامه ۴۵).^۱

۲-۲-۳. راهکارهای مقابله با دشمن جهت مایوس سازی جامعه

اگر مسئولین در حفظ شئون دینی و وظایف حاکمیتی خود پرتلاش باشند و بین خود و مردم با تجملات، زیاده‌خواهی، فساد مالی و... دیوار نکشند، اهرم نرم دشمن نخواهد توانست در جهت فتنه‌انگیزی در این مسیر موفق عمل نماید؛ آن حضرت در نامه به محمد بن ابی بکر اینگونه سفارش می‌کنند: «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ آسِ يَتِيئُهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظْرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَ لَا يَتَيَّأَسَ الصُّبْحَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ» (نامه ۲۷).^۲

۱. اما بعد. ای پسر حنیف به من خبر رسیده که مردی از جوانان بصره تو را به سوری فرا خوانده و تو نیز بدانجا شتافته ای. سفره ای رنگین برایت افکنده و کاسه‌ها بیشت نهاده. هرگز نمی‌پنداشتم که تو دعوت مردمی را اجابت کنی که بینوایان را از در می‌رانند و توانگران را بر سفره می‌نشانند. بنگر که در خانه این کسان چه می‌خوری، هر چه را در حلال بودن آن تردید داری از دهان بیفکن و آنچه راه که یقین داری که از راه حلال به دست آمده است، تناول نمای.

۲. با مردم فروتن باش، نرم‌خو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستم کاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مایوس نگردند.



یکی از ابتکارات امام علی علیه السلام تأسیس خانه عدالت بود که امروز از آن به دیوان عدالت اداری تعبیر می‌کنند. او خانه‌ای را معین کرد که مردم شکایت خود را از نظام و غیره به آن جا ببرند تا امام از نزدیک با درد مردم آشنا شود. مسلماً در این نامه‌ها علاوه بر انتقاد از کارگزاران، نکته دیگری بود که مردم نیازهای خود را نیز از طریق نامه به امام برسانند و چه بسا سخن گفتن رو در رو، مایه کوچکی افراد شود و امام، بدین نکته چنین اشاره می‌کند: «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَيَّ مِنْكُمْ حَاجَةٌ فَلْيَبْرِفْهَا فِي كِتَابٍ لِأَصْوَنَ وَجُوهِكُمْ فِي الْمَسْأَلَةِ» (نامه ۵۳).^۱

بنابراین، دسترسی آسان به مدیران و مسئولان جامعه و پاسخ‌گو بودن آنان، دو شرط اساسی برای ایجاد فضای امید در جامعه خواهد بود. در حقیقت این عمل مسئولانه در حکومت دینی، موجب می‌گردد جامعه به سمت بصیرت ملی و همگانی گام بردارد و منافع حقیقی خود را در انقطاع از دشمن ببیند؛ چراکه دشمن در طول تاریخ به دنبال ایجاد شکاف هرچه بیشتر بین مسئولین و جامعه بوده و در این مسیر از اهرم‌های گوناگونی استفاده نموده‌است.

۳-۳. جلوگیری از نفوذ اقتصادی و فرهنگی دشمن

تعالیم قرآن کریم به ما نشان می‌دهد که دشمن همواره برای دستیابی به اهداف خود از پروژه نفوذ بهره برده‌است و امروزه این پروژه با توجه به جایگاه انقلاب اسلامی با شدت بیشتری پیگیری می‌شود. در واقع دشمن همواره بر دستیابی به اهداف خود در میان جامعه ایمانی، پس از ناکامی از جنگ و فتوحات سخت، به دنبال باز کردن قلعه‌ها و ورود از مجاری درونی اجتماع مؤمنین بوده‌است که از طرفی دارای تلفات و هزینه کمتر و از جهتی با درصد موفقیت بالاتری همراه خواهد بود. در ادامه مواردی از نفوذ دشمن به جامعه مطرح خواهد شد.

۱-۳-۳. نفوذ اقتصادی

تلاش دشمن همواره در این راستا بوده تا با ورود و نفوذ به عرصه‌های اقتصادی جامعه مسلمین، ارکان رفاهی مسلمانان را متزلزل نموده و با شعار ایجاد گرسنگی برای ادامه حکومت بر مسلمانان، آنها را تابع اهداف خود نماید؛ «وَلَا يَتْرَاقُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» (بقره، آیه ۲۱۷).^۲

۱. هر کس نیازی به من دارد در نامه‌ای بنویسد تا آبروی او را از این طریق حفظ کنم.
 ۲. و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند. بر همین اساس بوده که همواره علمای تشیع در طول تاریخ به دنبال ممانعت از نفوذ اقتصادی و ایجاد خودکفایی هرچه بیشتر بوده‌اند.



نفوذ اقتصادی دشمن زمانی رخ خواهد داد که استقلال و قدرت و صلابت درونی جهت ممانعت از ایجاد رخنه دشمن وجود نداشته باشد به عبارت دیگر در جامعه تفرقه نباشد، در حقیقت مطابق با نگاهی کلان‌تر، نفوذ اقتصادی محصول عدم استقلال اقتصادی و وابستگی است. در بیان این مهم، امام در فرازی از نامه خود به مالک اشتر نیز لزوم نظارت و بازرسی در نظام اداری و مالیاتی را یادآور می‌شود: «وَابْعَثِ الْعُيُونََ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ» (نامه ۵۳).

۲-۳-۳. نفوذ فرهنگی

نفوذ فرهنگی یکی از اقدامات برنامه ریزی شده دشمن است که طی سال‌های اخیر، نظام سلطه در ادامه تقابل با انقلاب اسلامی و به منظور شکست و جلوگیری از الگو شدن گفتمان انقلاب، از این راهبرد استفاده می‌کند. نفوذ فرهنگی همواره از مهمترین تکنیک‌های دشمن علیه جوامع اسلامی باشد و با شدت تمام در زمان حاضر هم ادامه دارد و شاهد آن هستیم. در ادامه به مواردی از نمونه راه‌کارهای نفوذ فرهنگی دشمن اشاره خواهد شد.

الف. نفوذ فرهنگی دشمن از طریق ترویج فحشا و بی بند و باری

یکی از نمونه‌های عبرت‌انگیز نفوذ فرهنگی دشمن که محصول فقدان دشمن‌شناسی لازم در جامعه دینی بوده و از طریق ترویج فحشا و بی بند و باری رقم خورد، جریان نفوذ مسیحیان بین مسلمانان اندلس (اسپانیای فعلی) است که طی آن مسیحیان با ترویج زنا و شراب‌خواری موجب شکست حکومت هشتصد ساله مسلمانان در اندلس شدند؛ وقتی مسیحیان دریافتند با جنگ رویارو نمی‌توان در برابر توان رزمی مسلمانان ایستاد، تصمیم گرفتند تا با گستردن دام فساد و فحشا و گسترش بی بند و باری، نیروی محرکه حکومت مسلمانان را که همان ایمان جوانان بود از کار بیندازند. آنان برای تفریح و خوش‌گذرانی جوانان مسلمان پارک‌های زیبایی ساختند و دختران زیبایی مسیحی را به آن پارک‌ها گسیل داشتند و از آنان به عنوان شیطان فسون‌گری برای فریب جوانان غافل مسلمان بهره بردند. دختران مسیحی در پارک‌ها می‌گشتند و با طنازی و عشوه‌گری جوانان مسلمان را تحریک نموده و آنان را در گرداب شهوت غرق می‌کردند. در نتیجه جوانانی که تا چندی پیش تفریحشان تمرین تیراندازی و اسب‌سواری و شمشیر زنی یا گفتگوهای علمی بود، به سوی این جایگاه‌های فساد و بی بند و باری کشیده شدند. حتی یکی از کشیشان با خرید انگور قرطبه، شراب



می‌ساخت و قسم یاد نمود که آن شراب‌ها را جز به دانشجویان مسلمان ندهد. پاپ هم سالانه با پرداخت یک هزار فلورین به امر گسترش می‌خوارگی میان مسلمانان اختصاص می‌داد و اینگونه در فریب جوان مسلمان سنگ تمام می‌گذاشت (طالبی‌نیا، ۱۳۹۱: ۸۰).

این تجربه موفق از نفوذ دشمن باعث شده این شیوه نفوذ فرهنگی همواره از مهمترین تکنیک‌های دشمن علیه جوامع اسلامی حتی در دوره معاصر باشد. ترویج خیانت به همسر، عادی‌سازی روابط نامشروع دختر و پسر قبل از ازدواج، ترویج هم‌جنس‌گرایی، شراب‌خواری و... از مهمترین مصادیق فحشا و منکراتیست که در شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و... به صورت مستمر در حال اجراست.

ب. نفوذ فرهنگی از طریق ایجاد خوش‌بینی کاذب نسبت به دشمن

فقدان شناخت جامع دشمن در جامعه سبب خواهد شد نسبت به دشمن، خوشبینی کاذب ایجاد شود و باب وسیعی از نفوذ دشمن در جامعه شکل بگیرد؛ همانطور که در نامه‌ای امام علی علیه السلام در خصوص عدم خوش‌بینی نسبت به دشمن به مالک اشتر فرموده‌است: «الْحَذَرُ كُلُّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَسْتَغْفِلَ فَاخْذُ بِالْحَزْمِ وَأَتَّهِمُ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ» (نامه ۴۷)؛ هنگامی که با دشمنت پیمان صلح بستنی کاملاً از او برحذر باش؛ زیرا دشمن گاه نزدیک می‌شود که تا طرف را غافل گیر کند. بنابراین در چنین شرایطی اختیار را از دست مده و دوراندیش باش و حسن ظن خویش را متهم ساز.

رفتارشناسی دشمن نشان می‌دهد که هر نوع حمایت اقتصادی آنان نیز دارای پشتوانه نیرنگ و اهداف نفوذ بوده‌است تا مانع خودکفایی اقتصاد جامعه اسلامی از درون گردد؛ «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (انفال، آیه ۳۰).^۱

البته در این میان، تنها رسالت بصیرتی بر دوش مردم نبوده بلکه مسئولین نیز موظفند سطح بصیرتی و دشمن‌شناسی و به دنبال آن نظارتی را افزایش دهند تا دشمن نتواند از حفره شناختی حاصل شده نفوذ نماید.

۱. یادآور زمانی را که کافران دربارها با حيله و نیرنگ می‌خواستند تو را به بند کشند یا بکشند یا از مکه اخراج کنند. آنان نیرنگ و چاره‌اندیشی می‌کنند، خداوند هم چاره‌اندیشی و تدبیر می‌کند و خداوند بهترین تدبیرکنندگان است.

ج. نفوذ فرهنگی دشمن از طریق ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی

یکی از طرق نفوذ دشمن بین مردم تفرقه افکنی در جامعه اسلامی می باشد که باعث از بین رفتن اتحاد قلوب و آراء مومنین می گردد، لذا اجتناب از تفرقه مساله بسیار مهمی برای حفظ نظام است و در نهج البلاغه نیز امام علیه السلام این مهم را متذکر شده است: « وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّفَرُّقَ، فَإِذَا تَرْتُّمُ فَإِنرِلُوا جَمِيعاً وَإِذَا ارْتَحَلْتُمْ فَارْتَحِلُوا جَمِيعاً، وَإِذَا غَشِيَكُمْ اللَّيْلُ فَاجْعَلُوا الرَّمَاحَ كِفَّةً، وَ لَا تَذُوقُوا التَّوَمَّ إِلَّا غِرَاراً أَوْ مَضْمَضَةً» (نامه ۱۱).^۱

بنابر این باید با بصیرت افزایی در جامعه مانع از آن شویم که دشمن به راحتی اجازه نفوذ در عرصه های گوناگون اقتصادی و فرهنگی زندگی مردم را بیابد و فقط در این صورت است که شاهد رشد بینش و در نتیجه اتحاد و وحدت مردم برای پیشبرد اهداف والای جامعه اسلامی خواهیم بود.

۴- نتیجه گیری

یکی از راه کارهای عقیدتی- فرهنگی پیوند مردم و حکومت اسلامی آن است که مردم آگاهی و بصیرتی در خور به اوضاع و احوال جامعه و مسائلی که حکومت با آنها روبه رو است، پیدا کنند. مردمی که بصیرت سیاسی دارند، خطرهایی که حکومت را تهدید می کند بهتر تشخیص می دهند و کسانی را که آگاهانه یا از روی نا آگاهی برای نظام خطر آفرینی می کنند، به درستی باز می شناسند و همین گونه برای رویارویی با خطرهایی که از سوی دشمنان خارجی آفریده می شود، آمادگی کامل تری پیدا می کنند. آنچه می تواند توطئه های پیچیده و خطرناک آنان را خنثی کند، دشمن شناسی است که با بصیرت سیاسی به دست می آید. در این اثر به بررسی آثار دشمن شناسی در ارتقای بصیرت ملی از منظر نهج البلاغه روی آورده شده و این آثار در حوزه های متعددی مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است و نویسنده در این اثر در نهایت بدین نتیجه رسیده است که در واقع جامعه دشمن شناس، در اولین قدم به شناخت حق و باطل و صفوف و آرایش دشمن دست پیدا خواهد کرد و پس از آن، راهبردهای آنها در اهداف فرهنگی و تحرکات سیاسی را باز خواهد شناخت، در چنین زمانی است که در گرو بصیرت دینی و فرهنگی و سیاسی همگانی و ملی حاصل شده، دشمن قادر نخواهد بود به

۱. از پراکندگی بپرهیزید. چون فرود می آید همه فرود آید، و چون کوچ می کنید همه کوچ کنید. هنگامی که شب در رسید، نیزه ها را گرداگرد خود قرار دهید. به خواب مروید یا لندك لندك بخوابید. اگر چه این دستورات برای جنگ تن به تن است ولی میتوان تک تک نکات آن را تعمیم به تمام زوایای حکومتی داده و از آن الگو گرفت.



ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه که از طریق فریب جامعه و تضعیف باورهای دینی و ایجاد شبهه اختلاف طبقاتی بین مردم و مسئولین است، روی بیاورد و جامعه بصیرت‌یافته نیز به راحتی اجازه نفوذ دشمن در عرصه‌های گوناگون اقتصادی و فرهنگی زندگی خود که نفوذ فرهنگی دشمن از طریق ترویج فحشا و بی بند و باری و ایجاد خوشبینی کاذب نسبت به ایشان و ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی است، را نخواهد داد و در نهایت باعث ارتقاء و تقویت بیداری اسلامی خواهد شد.

منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه، محمد بن حسین، ۱۳۷۸ ش، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه
- ، ۱۳۷۹ ش، ترجمه: سید جمال الدین دین پرور، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- ، ۱۳۷۸ ش، ترجمه: محمد انصاریان، چاپ: اول، تهران: نشر دار العرفان،
۱. الهی، همایون، ۱۳۶۳ ش، دیکتاتورهای کارتله‌ها، تهران: امیرکبیر.
 ۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، محقق/مصحح: سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب اسلامی.
 ۳. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶ ش، پیوند مردم و حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی، تهران: مرکز حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
 ۴. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰ ش، رهبری فرزانه از نسل کوثر، تهران: زمزم هدایت.
 ۵. حاجی صادقی، عبدالله، ۱۳۹۳ ش، بصیرت چیست، چرایی و چگونگی، قم: زمزم هدایت.
 ۶. شایگان، داریوش، ۱۳۹۲ ش، آسیا در برابر غرب، تهران: فروزان روز.
 ۷. طالبی‌نیا، سعید، ۱۳۹۱ ش، عبرت‌های آندلس، تهران: سروش مهر.
 ۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۸ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
 ۹. منصوری، خلیل، ۱۳۹۳ ش، عوامل و موانع بصیرت، تهران: نی.
 ۱۰. نجفی، موسی، ۱۳۸۹ ش، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران: منیر.
 ۱۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد التمیمی، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، المصحح: سید مهدی رجائی، الطبعة الثانية، قم: دار الکتاب الاسلامی.
 ۱۲. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ ش، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مقابله و تصحیح: علی حچیمی و دیگران، چاپ هفتم، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.



۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۹ش، ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، محمدرضا آشتیانی - محمد جعفر امامی، چاپ: اول - قم: هدف.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا، ۱۳۷۵ش، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیة..
۱۵. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۳۷۵ش، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۱۶. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، ۱۳۷۵ق، ترجمه: شرح نهج البلاغه، مترجمان: قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغری نوابی یحیی زاده، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مقالات
۱۷. رضایی، مصطفی، ۱۴۰۰ش، بررسی فرآیند رفتاری دشمن در پروژه مایوس‌سازی از نگاه دینی، قم: پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه.
۱۸. ستوده آرنانی، محمد و ترکی، هادی، ۱۳۹۵ش، بیداری اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردها، فصلنامه علوم سیاسی.

